



پروانه وار دور تو می گردم

روایت بانوانی که با پوشش کامل به فعالیت های
فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مشغول اند

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۷۱۰ روزنامه شهرآرا

شنبه ۲۱ ۰۴ ۱۴۰۱



نگاهی کوتاه به چند روایت از بانوانی
که برای حفظ حجاب از جان خود
گذشتند

زنانی که
برای حجاب
جنگیدند

تربیت
عفیانه
بازگشت به
عزت انسانی



الهام غفاری

مدیر مؤسسه مطالعاتی-تربیتی مهدی

(نرگس)

تربیت عقیفانه بازگشت به عزت انسانی

تربیت عقیفانه یعنی تربیتی که روش و منش و سبک و سلوکش عفاف داشته باشد. نتیجه و خروجی اش هم عفاف بیاورد. در واقع، در تربیت عقیفانه، شاید مشخصاً کلمه «عفاف» آموزش داده نشود، بلکه هدف آن است که تفکری منتقل شود که عفاف محصول آن باشد.

این مهم در سایه سار سه اصل بی بدیل تربیتی رخ می نماید:

۱- انسان عظمت خود را درک کند و با مقایسه خود و داشته های بیش از این دنیایش، باور کند که بزرگ تر از اینجا و اکنون است.

۲- انسان معاد را درک کند و ادامه ای برای خود قائل باشد.

۳- انسان به گستردگی و فراوانی و گوناگونی روابط خود آگاه باشد و در دنیایی که یک نگاه، یک فکر و حتی یک نیت بدون عمل بر اجزای آن مؤثر است، خود را یله و تنها نداند.

نکته مهم در این مقوله، در نظر داشتن انسان است. وجود کرمهای که نفس الهی دارد محترم است و باید شئون انسانی و کرامت ذاتی اش محترم شمرده و محافظت شود.

شاید یکی از مهم ترین ارکان حفظ و صیانت از کرامت نفس انسان محترم شمردن حق رأی برای وی و زمینه سازی برای رسیدن به انتخاب در او باشد.

یعنی انسان تربیت بشود تا بتواند آزادانه انتخاب کند. معنای آزادی در انتخاب، ولنگاری یا باری به هر جهت انتخاب کردن نیست. به آزادی رساندن انسان یعنی نفس او را از کشش ها و گرایش های درونی و بیرونی، بازی ها و بازیگری ها، جلوه ها و جلوه گری های دنیا و مردمان و وسوسه ها رها ساختن. یعنی انسان به عزت ذاتی نفس خود برگردد و تحت تأثیر دعوت ها و القاءات مثبت و منفی قرار نگیرد. یعنی بتواند رها از جبرهای درون و بیرون

ببندیشد و با اندیشه ای تمیز، ورودی های عقل را مهیا سازد تا عقل، یعنی همان پیامبر درونش، امکان سنجشی اصولی و متناسب با نقش، وظیفه، ساخت و بافت وجودی انسان در عالم هستی را داشته باشد.

چنین تربیتی شاید بتواند زمینه را برای انتخاب انسان در مسیر سیر الی... تأمین کند. یکی از انتخاب های اساسی انسان انتخاب دین به عنوان ضرورتی ابرار حرکتی او در این مسیر الهی است.

در این نگرش، دین منظومه کاملی از احکام، عقاید، سبک، سیره و روش زندگی است و حجاب یکی از این همه است. در نگرش دینی، حجاب بیش از آنکه موضوعیت داشته باشد، دارای وجه طریقتی است. یعنی حجاب ابزاری برای حرکت انسان الهی در مسیر زیستی او می شود. حال اگر انسان عظمت خودش را باور نکرده باشد و برای رفتن و ادامه حرکتش پس از این عالم طرحی نداشته باشد و به رابطه های بی نهایتش در این عالم هستی علم و باوری نداشته باشد، پدیده ای است نه تنها نیازی به دین در خود احساس نمی کند بلکه مذهب و فرامین آن را مغایر بودن و راحتی زندگی خود می داند. حتی به مخالفت با آن نیز خواهد برخاست، پدیده ای که این روزها با عنوان بدحجابی و بی حجابی با آن رو به رو هستیم، اتفاق نامبارکی که به احتمال زیاد، نتیجه نبود تربیت اصیل اسلامی است، تربیتی که قرار بوده است از درون خانواده و از دوره کودکی و با ایجاد زمینه برای رسیدن به سه اصل مهم حریت، استقامت و تفکر آغاز و با حفظ کرامت نفس او در دوره های بعدی زندگی، توسط خانه، اجتماع و نهاد حاکمیت، به انتخابی الهی بینجامد. امیدواریم با بازبینی اهداف و انگاره های اصیل اسلامی و تفکر ناب امامین انقلاب، به این مهم دست یابیم ان شاء الله...



زهرا پورعباس

مسئول مؤسسه مهربانو

(پرتو)

هزار راه نرفته ...

این ایام، هر سال فرصتی است که بررسی کنیم و نظرات مختلف را درباره حجاب ببینیم. پدیده ای است فهم هر مسئله اجتماعی اولین گام برای حل مسئله خواهد بود که تا اتفاق نیفتد، «حجاب» هم چنان مصداق سال به سال دریغ از پارسال است و ظاهر جامعه نیز گواه این مدعاست.

● تا زمانی که نگاه به مسئله حجاب یک نگاه «علیتی»، «سیستمی» و «کلان» نباشد که بر اساس آن در صدد فهم شبکه علیتی ایجاد این مسئله اجتماعی نباشیم، مسئله «حجاب» صرفاً از دریچه نگاه «تک عاملی» و «جزئی» نگریسته و همه تلاش برنامه ریزان فرهنگی به سمت درست کردن «شکل» پوشش و «رفتار» حجاب سرازیر شود، نمی توان به حل مسئله حجاب امیدوار بود.

● تا وقتی عامل تفاوت های «جنسی» و «جنسیتی» از سوی برنامه ریزان و متولیان حجاب به رسمیت شناخته نشود و صرفاً برخی در پشت درهای بسته، فارغ از نیاز به فهم فکری زنانه و

نیازهای زنان، به طراحی برنامه های فرهنگی می اندیشند، نمی توان به حل مسئله حجاب امیدوار بود. اساساً نمی توان برای پوشش زنان برنامه ریزی کرد ولی فهم دقیقی از میل به زیبایی در زنان داشت که اگر این فهم زنانه می بود، شاید در محیط های صرفاً زنانه همچون مدارس، معماری مدارس و کادر آموزشی به سمتی حرکت می کرد که نیازی به حجاب نباشد.

● مهم تر از همه یقین بدانیم حجاب نه اصول دین است نه فروع آن، بلکه واجبی شرعی و ضرورتی دینی است که تا اصول دین درست فهم نشود و جهان بینی توحیدی افراد جامعه بر اساس دین شکل نگیرد، نمی توان به انجام رفتار شرعی (حجاب) امیدوار بود.

● بر این اساس، باید پرسید خانواده و نظام های آموزشی، پرورشی، تربیتی و فرهنگی ما تا چه اندازه کودکان و نوجوانان را پرورشگر و متفکر تربیت می کنند تا بتوانند در سن تکلیف، فهمی درست و توحیدی از دین به دست آورند؟

شهر بانو

شهر بانو

آشنایی
۲۱ تیر ۱۴۰۱
۱۲ دی الحجه ۱۴۴۴ شماره ۳۷۱۰

(۲)



عکس: داود بهنگام



ناهید مشایی

اسلام پژوه و استادیار دانشگاه فردوسی

(آفاق)

روش تقلیدی راه مناسبی برای آموزش نیست

پوشش یک مقوله است که به امروز و دیروز ربطی ندارد. شما در اسناد تاریخی از دوران مادها هم می توانید رد پای پوشش را به خوبی ببینید اما متأسفانه با اینکه تصور می کنیم در این مسئله خوب کار کرده ایم، اصلاً کاری انجام نشده است زیرا مفاهیم عمیق این مقوله را نادید گرفتیم. مسئله حجاب خیلی عمیق تر از یک پوشش ساده است که حتی آن را زنانه و مردانه بدانیم و صرفاً از زنان بخواهیم خود را بپوشانند. زنان ایران از زمان مادها که نخستین ساکنان آریایی ایران بودند حجاب کاملی شامل پیراهن بلند چین دار و شلوار تا میچ پا و شنلی بلند روی لباس ها داشتند. این حجاب در دوران سلسله های مختلف پارس ها نیز معمول بوده است. در زمان زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده اند. هم چنین ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن، مشرق زمین، گاهواره تمدن» (ج. یکم، ص. ۴۳۴) به مسئله محجبه بودن زنان در شرق عالم، به ویژه ایران، اشاره می کند. ما نیز با کمی تأمل، هنوز می توانیم این مسئله را حتی در پوشش مردم سنتی ژاپن و چین ببینیم. ما باید به گسترش مطالعات در زمینه فلسفه حجاب از نظر فرهنگی برای والدین به ویژه مادران اقدام کنیم. یکی از مهم ترین ایرادهایی که در خانواده مذهبی می بینم این است که بسیاری از مادرها نمی توانند فلسفه حجاب را به دختران و پسرانشان بیاموزند زیرا خود نیز به صورت تقلیدی از والدین خود فرا گرفته اند. وقتی فرد به صورت تقلیدی چیزی را می آموزد، با شک و تردید رشد می کند. همین باعث می شود خیلی زود در هجوم جریانات مخالف، آن را از سر برمی دارد. اگر مادران بتوانند هم زمان با بلوغ شرعی، دلیل پوشش و فلسفه حجاب را برای دختران خویش تبیین کنند، تا حد بسیاری می توان به مقاومت دختران در هجوم افکار ناصحیح امیدوار بود. گرچه مدارس و فضاهای آموزشی نیز پس از خانواده، نقش مهمی ایفا می کنند.

یک راه تغییر سبک آموزش دینی است. آموزش دینی باید همراه با بیان ادله و استدلال باشد. باید از همان کودکی به دختران و پسران، تفکر را بیاموزیم. ترس از جهنم و وعده بهشت راهکار کافی برای تربیت دینی نیست. آموزش اقناعی بسیار مهم است. باید ضعف فرهنگی را از بین ببریم. در مرحله بعد، از بین رفتن موانع ازدواج، خود، یکی از مهم ترین راهکارهاست. اکنون به دلیل تمایل نداشتن جوانان به ازدواج، فساد در جامعه حاکم شده است. این در حالی است که به صورت متقابل، ازدیاد فساد در جامعه نیز رکود ازدواج را چند برابر می کند و طلاق و ازهم پاشیدگی خانواده، همگی، در همین راستاست. در مرحله آخر، تبیین دقیق دلایل و فواید حجاب و پوشش، بیان پیامدهای بی بندوباری، تشویق و ترغیب حجاب از سوی نهادهای متولی و در نتیجه کمک به دریافت هزینه ای برای تهیه پوشش کامل در سید خانوار نیز می تواند کارآمد باشد.

گزیده‌هایی از خاطرات بانوانی که سال‌ها برای حفظ حجاب در خانه حبس بوده‌اند

زنانی که در آتش دویده‌اند...



حمیدیه جلیلی
روزنامه‌نگار

برای آماده شدن زمینه کشف حجاب، مجلس در ششم دی ۱۳۰۷، قانون متحدالشکل کردن لباس‌ها را تصویب کرد. تلاش‌های رضاخان باعث شد عده‌ای از زنان غرب زده، به‌ویژه زنان درباری و زنان دولتمردان، به صورت بی حجاب یا بدحجاب، در مجامع و معابر عمومی ظاهر شوند، مردم نیز تحت تأثیر اختناق و ظلم رضاخانی، حساسیت لازم را از خود نشان ندادند. تعویض کلاه مردان مقدمه کشف حجاب زنان بود. حوادثی همچون قیام گوه‌رشاد نیز شکل گرفت اما تاریخ کمتر درباره زنانی نوشت که چطور جنگیدند و سال‌ها حتی در خانه‌ها حبس ماندند اما حاضر نشدند بدون حجاب بیرون بیایند. تصاویر و مصاحبه‌های تهیه شده در این متن از آرشیو تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مشهد تهیه شده است.

چادرها را آتش می‌زدند

بانو ام‌البنین عباسی

آن زمان، آن قدر خفقان زیاد بود که مادرم می‌گفت برو روی پشت بام بنشین که ما می‌رویم نوبی خانه همسایه و روضه‌خوانی گوش می‌دهیم، اگر دیدی کدخدا از شهر می‌آید زود بیا به ما بگو که فرار کنیم و برویم خانه‌هایمان. این مراقبت‌ها برای این بود که در کوچه‌ها چادر از سر زن‌ها بر می‌داشتند. حتی بعضی وقت‌ها روضه‌خوانی را روی کاه‌ها و در فضایی غیر از اتاق‌ها در روستاها انجام می‌دادند که کسی شک نکند.

یک روز مادر خدایا مرز گفت برویم به شهر. قدیم‌ها هم می‌دانید چادر این طوری را کسی بلد نبود بدوزد. همین چادرهای چهارتخته‌ای را می‌پروند و می‌دوختند مثل چادر لحافی، سرشان می‌کردند. بعد که رسیدیم، مادرم ما را هم پشتش کرد. گفت مأمورهای ما نمی‌بینند اما آن‌ها دیدند. چادر را گرفتند و آتش زدند. بعد، دیدم که مادرم آمد با یک مانتوی پوشیده. یک کلاه هم سرش بود. همه جایش هم پوشیده بود ولی به اندازه یک کوزه پر از آب اشک می‌ریخت و می‌گفت مای حجابیم. می‌گفتم: «خب، مامان تو که این به سرت است و این لباس به تنت است.» می‌گفت: «دخترم، چادر چیز دیگری است.» دودستی به سرش می‌زد و می‌گفت: «می‌توانم با این نماز بخوانم؟ چطور این خوب است؟»

برخی‌ها برای

حفظ منصب، حجاب از سر زن‌هایشان برداشتند

بانو ثریا قزلی

شب بود که تیراندازی شد. آمدم روی ایوان و صدای گلوله را شنیدم. مادرم گفت در خانه بمان. صبح که شد، آمدم دیدیم جنازه‌ای است که می‌برند. می‌آمدند دوتا از این طرف، یکی از این طرف، در برانکارد می‌گذاشتند و می‌آوردند دم میدان شهدای فعلی. آنجا غسل خانه بود. می‌شستند یا چه کار می‌کردند، دیگر نمی‌دانم. بعد هم ته‌مانده‌هایش را جمع کردند و ریختند داخل گاری! موج چادربرداری هم که تا بخواهید در شهر دیده می‌شد. چادر از سر زن‌ها بر می‌داشتند. یک مرتبه از کوچه‌ای عبور می‌کردم. من را گوشه دیوار گیر آوردند. یازده سالم بود. آن زمان، چارقد توری روی سرم بود. گوشواره آلبا لویی در گوشم بود. چارقد را باز کرد و گفت: «حالا برو.» همین طور، یکی از وقایعی که آن زمان به چشم دیدیم این بود که خانم‌هایی که مثل زن سرهنگ یا زن کدخدا یا زن آدم‌های سرشناس منطقه بودند، همه را می‌گفتند بیایید خانه فلان شخص یا بیایید داخل مسجد یا بیایید در میدانی که همان قسمت است. بعد خود آقایان سر خانم‌هایشان را لخت می‌کردند و به عبارتی حجاب‌برداری می‌کردند.

چادرت را بده

مادرت

جوال ببافد!

بانو خدیجه غلام‌پور

آن موقع پنج‌شش ساله بودم. مادرم می‌گفت گاهی ناچار بودیم برویم حمام. خیلی جاهای دیگر را نمی‌رفتیم. مثلاً کار واجبی که داشتیم داخل خیابان یا می‌گذاشتیم اما همین که پاسبان ما را توی راه می‌دید، می‌دوید دنبالش و می‌گفت چادرهایتان را در آورید. ما چادرهایمان را محکم می‌گرفتیم ولی بالاخره از سرمان می‌کشید بیرون، تکه‌تکه می‌کرد و می‌داد دستمان و می‌گفت: «این را بدهید به مادرتان، بگویند جوال ببافد!» یک مرتبه خواهرم چادر گل‌گلی سرش بود. خیلی دوستش داشت. همان را پاره‌پاره کردند و دستش دادند. چادر عمه‌ام را هم از سرش برداشتند اما او حسابی از جلوشان در آمده بود و بد و بیراه گفته بود. از طرفی، روضه‌خوانی هرگز ترک نشد. آخوندها با لباس معمولی آمد و شد داشتند و وارد خانه‌ها می‌شدند. گاهی وسط روضه می‌ریختند و مجلس را می‌گشتند. زن‌هایی که توی آن مجلس بودند مخفی می‌شدند و آقا را توی کمد مخفی می‌کردند. بعد هم لحاف و تشک می‌گذاشتند.

و در را می‌بستند. این گونه جریانات زیاد بود. این‌ها چیزهایی است که از کودکی به خاطر دارم.



هم‌زمان با ۲۱ تیرماه، روز عفاف و حجاب، نخستین بار در سراسر کشور برگزار می‌شود

مهرانه؛ نخستین نمایشگاه تخصصی خانواده

و مجاوران بارگاه منور رضوی مخاطب قرار گیرند.

برگزاری جشن تکلیف برای هشتصد نفر

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی در گفت‌وگو با خبرنگار ما افزود: «رویداد نمایشگاهی امسال در چهارده محور با موضوعات متعدد خانواده برنامه‌ریزی شده است.» مهدی رضایی با تقدیر از فعالیت همه‌جانبه شهرداری مشهد در برگزاری این نمایشگاه گفت: «فضای این

از ۲۱ تیرماه، هم‌زمان با روز عفاف و حجاب، قرار است در یک رویداد نمایشگاهی و برای چهار روز، «مهرانه»، بزرگ‌ترین کار فرهنگی خانواده‌محور در حوزه عفاف و حجاب، در محل نمایشگاه بین‌المللی مشهد کلید بخورد. بازدید از این نمایشگاه که با دهه ولایت تقارن پیدا کرده است، رایگان است و با عرضه یک برنامه منسجم فرهنگی برای همه اعضای خانواده طراحی شده است. گفته می‌شود قرار است در نمایشگاه مهرانه امسال بیش از ۱۰۰ هزار نفر از زائران

نمایشگاه را شهرداری مشهد رایگان در اختیار ما قرار داده است. به همین دلیل، قرار است در عرضه محصولات فرهنگی این نمایشگاه تخفیف ویژه لحاظ شود. وی با بیان اینکه در مدت برگزاری این نمایشگاه هر شب در «رادیویارت» پخش زنده خواهیم داشت ادامه داد: «برگزاری جشن تکلیف برای دختران ۹ ساله به ازای دویست نفر در هر شب، اجرای گروه‌های موسیقی مقامی، معراج‌خوانی، اجرای سرود و تواسیح توسط دانش‌آموزان و کودکان و... از دیگر برنامه‌های فرهنگی برنامه‌ریزی شده است.» این نمایشگاه از ۲۱ تا ۲۴ تیرماه جاری از ساعت ۱۷ تا ۲۱ برای بازدید رایگان عموم شهروندان بازگشایی می‌شود.



رضانه



لاسهادات کوثری

پروانه وار دور تو می گردم

روایت بانوانی که با پوشش کامل به فعالیت های
فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مشغول اند

وحیدی / جان قربان! همه ها و حاشیه های اخیر مشهد پیرو ساخت فلان فیلم و بحث پوشش باعث شد تا در هر محفل زنانه ای با می گذاری، بحث بانوان و «اما» و «اگر» ها پیش بیاید. صفحات مجازی در هفته اخیر پر شد از تحلیل های سطحی، احساسی و عمیق. هر کسی از ظن خود چیزی نوشت و اظهار نظری کرد. به درست و غلط بودنش کاری نداریم اما در همین ایام بود که فهمیدیم بیش از پیش نیازمند این هستیم که درباره مسائل بانوان گفت و گو کنیم. دختران جوان و موفق شهر را به هم معرفی کنیم و بگذاریم مسائل زنان از طریق خود آن ها حل شود. در این میان، تصمیم گرفتیم از این شماره به صورت متوالی دوره های خودمانی با گروه های مختلف بانوان فعال مشهد تدارک ببینیم و میزبان عزیزان باشیم به امید اینکه در این جلسات بتوان گفت و شنید و آموخت و راهکار ارائه داد. این هفته به مناسبت روز عفاف و حجاب با بانوان دهه شصتی ای همراه شدیم که هر کدام با حفظ حجاب برتر، در راستای توانمندی های اقتصادی و فرهنگی، توانسته است قدمی رو به جلو برای شهر و کشورش بردارد.

شهر بانو

شهر بانو

۳۱ شهریور
۱۴۰۱
۱۲ دی‌الحجه ۱۴۴۳ شماره ۳۷۱۰



سفر اربعین من را تغییر داد

بعضی از حرف ها و تحسین شکاری دارد. بعضی از موضوع جاهدی، در جاده های مر چیزی که به من احساس و احساس تنهایی نمی کر خیلی ها برای همین چادر در مقابل، خیلی وقت ها است اما مهم این رسیدن

نیاز به الگویی مناسب

مادر آرزوها تعالی فرهنگ می داند که کمتر به آن توجه می کردم، همه فعالیت ها می گفتند: «حاجی، با چادر مدت، پوشش دختران رون تاثیر و نتیجه رفتار و عمل نیاز دارد تا یاد بگیرد. متأسر نگرفته است. باید حواسما آمده است که با بچه به بغل، ولی برای خانمی بی حجاب یا حتی در برخی ادارات می دهند واقعا سر بالا شده است همین تناقض ه

سمیرا شاهوردی، مسئول کمپین جهادگران بدون مرز، به مادر آرزوها معروف است، مادری که تاکنون بیش از ۱۰ هزار آرزوی خرد و بزرگ را برآورده کرده است. سمیرا شاهوردی مثل خیلی از بانوان محجبه چادر را انتخاب کرده و در سفرهای جهادی هیچ گاه این پوشش از سر او برداشته نشده است تا جایی که در کمک به سیل زدگان لرستان با چادر بنایی هم می کند. «چادر را انتخاب کردم. از اول چادری نبودم و از طرف خانواده و همسر هم هیچ اجباری به پوشیدن چادر نداشتم اما مسیر فعالیت های جهادی نگاهم را تغییر داد و چادری شدم. آدم وقتی می خواهد کار جهادی کند و جایی را بسازد، اول باید خودسازی کند. انتخاب این پوشش برای من به همین فعالیت های برمی گردد و البته سفری که اربعین به کربلا داشتیم. به نظرم اربعین انسان ساز است و به جای هر طرح ضربتی و اجباری، یک سفر اربعین برای خودسازی باید به افراد هدیه کنند. در این سفر، یک رنگی آدم ها برای من خیلی جذاب بود و اینکه زمانی که به خانه یکی از اعراب رفتیم، حرکت عجیبی کرد که به دلم نشست. او خاک چادر من را که از پیاده روی مسیر اربعین بود جمع کرد و در ظرفی ریخت که نگه دارد. می گفت این خاک را چهار گوشه خانه می ریزیم تا خانه و زندگی مان برکت پیدا کند.»

امروز به تو افتخار کردم

این بانوی فعال جهادی نقش خانواده به ویژه مادر را در انتخاب پوشش دختران بسیار اثرگذار می داند. «مادرم هیچ وقت اجباری در نوع پوشش برای من نداشت. می گفت چیزی را انتخاب کن که عاشق آن هستی ولی در رفتار خود طوری بود که من را به حجاب سوق می داد. بعد از ساخت خانه های یکی از روستاهای زلزله زده برایم نوشت: «بانوی خستگی ناپذیر من، امروز به تو افتخار کردم که همان پوششی را که من دوست داشتم پوشیدی.» آن روز من چادر به سر داشتم و این خوشحالی مادرم تأثیر زیادی رویم گذاشت که بیشتر رعایت کنم.»

مهم رسیدن است

سمیرا شاهوردی برای نوع پوشش خود بارها تحسین و بارها تحقیر شده است اما در نهایت حجاب را برگزیده است چون معتقد است که این انتخاب بهترین انتخاب زندگی اش بوده است. «گفتن

دیگر وقت حرف زدن نیست

نگرگس غفاری دوست، معلم نمونه کشور، فرزند شهید است. او تلاش کرده است زندگی اش را وقف دانش آموزان کند. از آن بانوان جوانی است که به الگوسازی بین دانش آموزان اعتقاد دارد. «از کودکی همین حجابم را داشتم. همیشه و همه جا چادر می پوشیدیم و الگویم برای این پوشش مادرم بود. البته برای این الگو هیچ وقت هیچ جباری وجود نداشت. خودم خواستم چادری باشم. در پوشش هیچ وقت افراط و تفریط نداشته ام که بخواهم مشکلی پیدا کنم. الان برای دخترم هم که یازده ساله است هیچ اجباری نگذاشته ام و خودش انتخاب کرده است. حتی زمانی که دانشگاه می رفتم با چادر سرکلاس ها می نشستیم و هیچ محدودیتی احساس نمی کردم.» او الگوسازی در جامعه راه عمل می داند، نه سخن، و معتقد است باید به جای هر حرف، در عمل و رفتار همه چیز را نشان داد. «الان دیگر وقت حرف زدن نیست. باید عمل کنیم تا بچه ها ببینند و تأثیر بگیرند. وقتی بچه ها و همکاران می بینند چادر من نمایی و فقط برای ساعت مدرسه نیست، از من یاد می گیرند و به این سمت کشیده می شوند. از طرفی دیگر، خانواده و جامعه باید در موضوع حجاب مکمل یکدیگر باشند اینک من در مدرسه بچه ها را ترغیب کنم و خانواده مانع شود! متأسفانه این تناقض ها برای نسل امروز ما بسیار آزاردهنده است. همان قدر که معلم، مدیر و دوست الگو هستند، مادران هم الگوی بچه ها هستند و باید به این موضوع توجه کنند. در کنار آن، به نظرم خلأ کار فرهنگی در جامعه ما زیاد است. باید روی الگوهایی مانند شهدا و وصیت نامه های آنان که همگی در باره ضرورت و اهمیت حجاب حرف می زنند کار کنیم. چرصادی شهدایی مثل شهید علی زاده که از شهدای مدافع حرم است به گوش جوان ما نمی رسد؟! او در آخرین لحظات، از پشت بی سیم، در بدترین شرایط با دخترش ندا صحبت می کند و وصیت می کند مراقب حجابش باشد.»

+ یک کار خوب به من پیاموز

خانم غفاری دوست که این روزها مدیریت دبستانی دخترانه را برعهده گرفته است، برای پرورش دختران عفیفه و باحجاب در مدرسه طرح های مختلفی اجرا می کند. «ما طرح ها و برنامه های مختلفی در مدرسه برای بچه ها داریم که متناسب با موضوع انتخاب پوشش مناسب است. یکی از برنامه های ثابت در مدرسه ما معرفی برترین های حجاب است. در برنامه های مختلف، آن ها را معرفی می کنیم و به بچه ها هدیه می دهیم. عکس بچه های باحجاب را در گروه مدرسه می گذاریم و آن ها را معرفی می کنیم. گاهی هم عکس های دونفره هم می گیریم. برای بچه ها عکس گرفتن با مدیر مدرسه اهمیت دارد. ما الگوی بچه ها هستیم و باید مراقب باشیم. خاطرم هست یک دختر داشتیم که با چادر سرکلاس می نشست. نگهداری چادر برای بچه های کوچک تر یک روز معلمش آمد دفتر و به من گفت هرچه به این بچه گفته است چادرش در بیاورد چون نمی تواند تکالیفش را انجام دهد، قبول نکرده و گفته است تا خانم مدیر چادرم را نبیند آن را در نمی آورم. بلافاصله با هدیه ویژه بچه های محجبه به کلاس آن ها رفتم و از او قدر دانی کردم. با هم عکس گرفتیم و در گروه مدرسه گذاشتم. کلی خوشحال شد و از آن به بعد، سر کلاس چادرش را برمی داشت. این نتیجه همان رفتارها و الگوهایی است که گاهی از آن ها غافل هستیم.»



در رفتار و گفتار هم عفیف باشیم

انسیه حیدر زاده به عنوان یک کارآفرین و مؤسس مرکز کسب و کار «جهش ساز» که بانوان سرپرست خانوار زیادی را به مستقیم به بازار هدایت کرده پوشش چادر را از زمانی که دختر بچه ای هفت ساله بوده است انتخاب می کند. «می دیدم که مادرم و خواهرانم پوشش کامل دارند. به تبعیت از آن ها من هم چادری شدم ولی این پوشش اجبار نبود بلکه نوعی الگوبرداری بود که من از مادرم آموختم. اکنون هم دخترم از من می آموزد. دختر چهارونیم ساله من هر وقت می بیند من چادر سرم می اندازم، او هم چادر می پوشد. وقتی می گویم نیازی نیست تو چادر بپوشی و هنوز به سن تکلیف نرسیده ای، می گوید: نه، شما که چادر می پوشی من هم باید بپوشم و وقتی نامحرم می آید حجاب داشته باشم.»

+ درست بپوشیم

او چادر را پوششی کامل می داند که با داشتن آن هیچ کم و کاستی برای فعالیت های اجتماعی یک زن نمی تواند وجود داشته باشد. «منی خواهم بگویم که تنها با چادر می شود حجاب داشت اما چادر کمال حجاب است. همین حجاب کامل هم باید در رفتار و گفتار نشان داده شود. یعنی هم عفت و حیاداشته باشیم، هم با این ملزومات زنان، به نقش آفرینی در جامعه بپردازیم. یک خانم چادری با این پوشش حد و مرز مرادات اجتماعی خود با دیگران را مشخص می کند.»

+ چادر، یک ادبیات خاص

این بانوی کارآفرین معتقد است که پوشش چادر در جامعه حرف هایی برای گفتن دارد و بسیاری از بانوان با همه سختی ها برای حفظ جامعه، پوشش کامل خود را رعایت می کنند. «چادر یک پوشش باوقار است که به جامعه و به زندگی نظم می دهد و یکدستی ایجاد می کند. ما برای جامعه و حضور در آن، خود را در پوشش چادر حفظ می کنیم. به نظرم چادر یک ادبیات خاص هم هست که در مرادات اجتماعی خیلی چیزها را مشخص و معین می کند. پوشش ما حرفی برای گفتن دارد و خانم هایی که چادر می پوشند از همان اول در مرادات اجتماعی خود اعلام می کنند چگونه هستند و چه خط قرمزهایی دارند. حتی وقتی یک دختر بچه چادر به سر می کند، نوع نگاه ها به او تغییر می کند. چه رسد به خانم های بالغی که نگاه های مسموم و آلوده به آن ها زیاد است.»

+ ضرورت حضور فعال در جامعه

این مادر موفق که به جای هر حرفی ترجیح می دهد در عمل فرزندان خود را آموزش دهد، جای خالی زنان محجبه را در بسیاری از عرصه های جامعه خالی می بیند. «من با این حجاب و با این چادر در همه برنامه ها شرکت می کنم. گاهی تنها چادری جمع من بوده اما انتخاب کرده ام که این گونه باشم. خیلی وقت ها برای این حضور با وجود چهار فرزند تحسین شده ام و برای خیلی ها عجیب بوده که یک خانم چادری توانسته است یا اینکه می تواند تا این اندازه فعال باشد. این تعجب به دلیل جای خالی ای است که زنان چادری در بسیاری از برنامه ها، دوره ها و محفل ها دارند. به نظر می رسد باید حضور فعال تری از بانوان محجبه در همه عرصه های جامعه دید و با حضوری فعال و اثرگذار، این تفکر را که زنان چادری فقط مجلس روزه و حوزه علمیه می روند تغییر داد.»



رشد داد

بین کردن ها برای افرادی که آن ها را قبول ندارند و نمی پذیرند جنبه سوعات را باید خودت درک کنی تا به آن ها برسی. در مسیر فعالیت های زی، وقتی تنهایی از مشهد به دورترین مناطق سفر می کردم، تنها منیت می داد چادرم بود. خیلی وقت ها در همین چادر پناه می گرفتم دم. این چادر به من احساس امنیت، وقار، شخصیت و ابهت می داد. رو پوشش به من اعتماد کرده و در کارهای جهادی مشارکت کرده اند. خیلی ها هم برای چادری بودن تخریب کرده اند و به من توهین شده است.»

گ حجاب و احترام به بانوان محجبه را یکی از ضرورت های جامعه ه شده است. «هجده ماهی که در لرستان بودم و برای زلزله زدگان کار یم با چادر بود. آنجا به زنانی که مکه رفته اند حاجی می گویند. به من در اذیت نمی شوی؟! می گفتم من این طوری راحت هستم. در همین ستا مثل من شده بود. روسری های خود را مدل من می بستند و این من بود، نه شعار دادن و منع کردن. نسل جوان ما به الگوی مناسب سفانه این الگو در اختیار آن ها قرار ن بیشتر به بانوان باشد. بارها پیش کنار خیابان برای ماشین ایستاده ام ناب ماشین زودتر پیدا می شود جوابی که به خانم های باحجاب ت. آنچه امروز جامعه ما گرفتار آن است که باید فکری به حال آن ها



چادر حریم من است

دیگر، هیچ وقت هم برخوردی با حجاب من نشده و برای آن ها جذاب و اثرگذار بوده است. دست بر قضا پیش آمده است که برخی از مردم کشور خودمان من را سرزنش می کنند که در کشورهای دیگر چرا چادر می پوشی! من هم جواب می دهم که این انتخاب من است.»

+ من هم دچار چالش شده بودم

او که خود دختری دوازده ساله دارد چالش در انتخاب حجاب را حق همه افرادی می داند. «شاید در دوران بلوغ، خود من هم دچار چالش شده بودم که آیا می خواهم چادری باشم و حجاب برتر را انتخاب کنم یا نه. چند سالی هم با خودم کلنجار رفتم ولی در نهایت چادر را انتخاب کردم. الان اگر این پوشش را نداشته باشم، احساس برهنگی می کنم. این حق انتخاب را به دخترم هم می دهم. او حق دارد با تحقیق انتخاب کند و من در کنارش کمک می کنم انتخاب بهتری داشته باشد. نوجوانی، سن پرچالشی است که من کوشش کرده ام مسائل و مشکلات را با حضور یک مشاور به عنوان نفر سوم حل کنم و اجازه ندهم موضوعی حل نشده باقی بماند.»

+ نداشتن پوشش بنیان خانواده را سست می کند

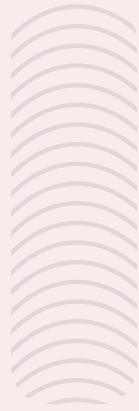
این مادر برای درونی کردن حجاب برای دخترش و همه دختران مطالعه و تحقیق را به جای هر اجباری به خانواده ها پیشنهاد می کند. نظرش این است که آنچه افراد انتخاب کنند ماندگار است. «به دخترم و دخترانی که می خواهند پوشش خود را انتخاب کنند پیشنهاد می کنم، تاریخ بخوانند. این پوشش در گذشته هم وجود داشته است و به گواه تاریخ، هر جا از پوشش فاصله گرفته ایم، آسیب های زیادی دیده ایم.»



ریحانه اکبری از بانوان دهه شصتی است که در کنار همسری و مادری، یک کارآفرین برتر زنبرداری، تولید گیاهان دارویی و ایجاد اشتغال در کشور شناخته می شود. او در سفر اخیر انسیه خزعلی، معاون رئیس جمهور در حوزه زنان، تقدیر شد، بانوی کارآفرینی که در یک خانواده مذهبی به رشد و بالندگی رسیده اما پوشش و حجاب را پس از چالش های دوران نوجوانی، خود انتخاب کرده است. «شرایط و محیط زندگی روی این انتخاب خیلی نقش داشته ولی هیچ وقت اجبار نبوده است. این لطف خداوند بوده که در خانواده ای مذهبی به دنیا آمده ام و این آموزه ها زمینه های دوست داشتن حجاب را در من ایجاد کرده است. از طرفی دیگر، تحقیق و پژوهش های خودم هم در این انتخاب نقش داشته است. ضمن اینکه واقعا به درک این جمله رسیده ام که پوشش باعث امنیت بانوان و دختران است. واقعا احساس می کنم اگر چادرم نباشد امنیت ندارم و با نگاه های بیمارگونه اذیت می شوم. در واقع، تا این اندازه برای خودم ارزش قائل می شوم که هر چشمی نگاهم نکند. به نظرم چادر یک حریم است و من با پوشیدن آن اعلام می کنم هر کسی را در حریم خودم راه نمی دهم.»

+ می گویند چرا چادر می پوشی!

ریحانه اکبری در سفرهای خارجی خود نیز چادر را کنار نمی گذارد و با همین پوشش در کشورهای دیگر حضور می یابد. او از انتخابی که کرده است راضی است. «راضی هستم و در سفرهای مختلف به کشورهایی مانند ترکیه، هندوستان، قزاقستان، گرجستان و... هیچ وقت چادرم را برنداشتم بلکه با رعایت پوشش من، دیگران هم متوجه شدند که با حجاب هم می توان سفر خارجی رفت. خیلی ها فکر می کنند وقتی حجاب دارند نمی توانند زیبا باشند ولی این گونه نیست. به تازگی نیز سفری کاری به قزاقستان داشتم. به نظرم همین که خودمان عالم و عامل باشیم کافی است. دیگران رفتار ما را که ببینند جذب می شوند. علاقه و دوست داشتن حجاب در ذات همه هست. فقط باید از راه درست منتقل شود. مثلاً در همین سفر من، هر روز یک روسری رنگی زیر چادر می پوشیدم که برای این خانم ها جذاب بود. جالب است که در کشورهای



شهربانو

۳۱ شهریور
۱۴۰۱
۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ شماره ۳۷۱۰

(۶)

نگاهی کوتاه به چند روایت
از بانوانی که برای حفظ حجاب
از جان خود گذشتند

زنانی که برای حجاب جنگیدند



دیگر مدرسه نرفتم

لایه‌لای خاطرات زنان انقلابی سال‌های ۵۶ و ۵۷ که این روزها برای خود مادر بزرگ‌هایی با نوه‌های قدونیم‌قد هستند، خاطرات تکراری زیادی به چشم می‌خورد، خاطراتی تکراری از روزهایی که آن‌ها و مادرانشان اجازه پوشیدن چادر را که نشانه‌ای از عفت زنانه بود نداشتند، خاطراتی از کتک خوردن، ترک تحصیل و مدرسه نرفتن تنها برای آنکه باید چادر از سر برمی‌داشتند. خانم سقطچی در خاطره‌ای در این باره می‌گوید: «دوران چادربرداری بود. مدیر مدرسه مادرم را خواست و گفت: با چادر مدرسه نیاید. روز بعد، باز با چادر رفتم. دوباره مادرم را خواست و گفت: حداقل دم در مدرسه چادرش را بگذارد داخل کیفش، بعد داخل بیاید. ولی من هم چنان با چادر به مدرسه می‌رفتم تا اینکه گفتند هر کس با چادر بیاید، چادرش را دم مدرسه برمی‌داریم. از آن به بعد، دیگر مدرسه نرفتم.»

سیلی محکمی خواباند توی گوشم

شاید درک این جمله که «می‌میرم ولی چادرم را بر نمی‌دارم» برای نسلی همچون ما که در پوشش چادر هیچ مانعی نداشته است سخت باشد اما زنانی بوده‌اند که این جمله را گفته‌اند و به گواه تاریخ، کشته، زندانی و شکنجه شده‌اند. فاطمه سبحانی، یکی از مبارزان انقلابی، در جایی از خاطرات خود می‌گوید: «مأمور ساواک آمد و چادرم را از سرم کشید. گفت روسری‌ات را در بیاور. گفتم در نمی‌آورم. سیلی محکمی خواباند توی گوشم.»

در جایی، یکی دیگر از زنانی که برای حفظ حجاب زندانی شده‌است از اخراج خود از دانشگاه خبر می‌دهد. فرشته محدث کسایی می‌گوید: «از زندان که آزاد شدم، تهران رفتم. داشتم خودم را برای امتحانات آماده می‌کردم که نامه‌ای از طرف دانشگاه به دستم رسید. در آن نامه، حکم اخراجم از دانشگاه قید شده بود. علتش هم شرکت در راهپیمایی بود.»

۱۲ شب سوار ماشینم کردند

در این میان، مرور خاطرات زنان نام‌آشنای انقلابی نیز همچون مرحوم صدیقه مقدسی، بنیان‌گذار مدرسه اسلام‌شناسی و زنی که در همه میدان‌های نبرد ضد شاهنشاهی حاضر بود، خالی از لطف نیست. او که بعد از راهپیمایی زنان در مشهد دستگیر و زندانی می‌شود، در خاطره‌ای از لحظه‌ای که مأموران ساواک می‌خواهند دل او را خالی کنند می‌گوید: «باز جو مدام سیگار می‌کشید و تهدیدم می‌کرد. بعد بازجویی، دوباره من را به شهر بانی بردند. حدود ساعت ۱۱ و ۱۲ شب سوار ماشینم کردند. سه تا مرد عقب خودرو بودند و من صندلی جلونشسته بودم. الکی توی شهر می‌چرخیدند و می‌خواستند توی دلم را خالی کنند. بعد از آن، جایی نگه داشتند که بالای آن نوشته بود «ندامتگاه زنان». فهمیدم که دیگر آمده‌ام زندان. من را به سلول انفرادی بردند.» او نماد مبارزات خود را چادر و پوشیه‌ای می‌داند که آن زمان از سر زنان برداشته می‌شد.

من را زینب صدا کنید

این نوع نگاه به سبک زندگی زنانی برمی‌گردد که مادران و مادر بزرگ‌های ما بوده‌اند و عفت خود را حتی با خانه‌نشینی حفظ کردند. این دیدگاه را می‌توان در نوع نگاه شهید زینب کمای به زندگی دید. او که نام شناسنامه‌ای‌اش را دوست نداشته است، بارها به خانواده اعتراض می‌کند که «این هم اسم بود برای من انتخاب کردید؟!». یک روز خودجوش دوستانش را دعوت می‌کند و نام خود را به زینب تغییر می‌دهد. مادر این شهید چهارده‌ساله در خاطره‌ای می‌گوید: «زینب در دفتر خودسازی خود جدولی کشیده بود که بیست مورد داشت از نماز به‌موقع، یاد مرگ، همیشه با وضو بودن، خواندن نماز شب، نماز غفیله و نماز امام زمان (عج)، ورزش صبحگاهی، قرآن خواندن بعد از نماز صبح، حفظ کردن سوره‌های قرآن کریم، دعا کردن در صبح و ظهر و شب، کمتر گناه کردن تا کم خوردن صبحانه، ناهار و شام. دخترم جلو این موارد ستون‌هایی کشیده بود و هر شب بعد از محاسبه کارهایش جدول را علامت می‌زد.» این سبک زندگی چیزی است که این روزها به آن نیازمندیم.



لیلا جان قربان

«اتوبوس آبی‌رنگ شهر بانی پیچید توی خیابان عطار و کمی بعد، جلو در بزرگ آهنی زندان زنان نگه داشت. بیست و چند زن چادری و رو گرفته یکی یکی از اتوبوس پیاده شدند. نگهبان در زندان را به رویشان باز کرد. آن‌ها با ترس و دلهره از بین سربازها رد شدند و پا توی حیاط زندان گذاشتند، حیاطی بزرگ با دیوارهای آجری رنگ‌ورورفته که فضای سرد و خالی زندان را غریب‌تر می‌کرد.» آنچه خواندید بخشی از خاطرات زنانی است که برای حجاب به‌ویژه برای نگهداشتن چادر روی سر خود علیه حکومت شاهنشاهی قیام کردند. آن‌ها خاطرات کشف حجاب رضاخانی را از مادران و مادر بزرگ‌های خود شنیده بودند و قیامی تاریخی‌ساز کردند. تاریخی که جان دادن و زندانی شدن زنان برای حفظ حجاب را گواهی می‌کند.

مادرم ترسیده بود و می‌لرزید

در مرور خاطرات دوران چادربرداری، ترک تحصیل را می‌توان از اتفاقات کم‌رنج‌تر دانست زیرا گاهی زنان در این مسیر برای حجاب جان خود را از دست داده‌اند. تقی فدایی، از مبارزان انقلابی، در کتاب «روز آزادی زن» در خاطره‌ای از مادرش نقل می‌کند: «با مادر و برادرم که هفت سالش بود از خانه مادر بزرگم می‌آمدیم. روبه‌روی باغ ملی درشکه گرفتیم. هنوز درشکه راه نیفتاده بود که پاسبانی آمد و داد زد: «زن، خجالت نمی‌کشی چادر سرت کرده‌ای؟!» یک لحظه چادر مادرم را کشید و زیر پایش تکه‌تکه کرد. مادرم ترسیده بود و می‌لرزید. به خانه که رسیدیم، دیگر حرف نمی‌زد و چیزی نمی‌خورد. پدرم دکتر بالایی سرش آورد. دکتر گفت این خودش را باخته است. یک هفته شد یا نشد، مادرم از دنیا رفت. فاطمه سلطان ۲۸ سالش بود.»

در خاطره‌ای دیگر، مرضیه پورامینی می‌گوید: «خواهرم هفت‌ماهه حامله بود. می‌خواست با کالسکه بیمارستان برود. جلوش را گرفتند و خواستند سرش را برهنه کند، اما او چادر را دور خودش پیچید و سرش را برهنه نکرد. او را به باد کتک گرفتند. خواهرم همان شب بچه‌اش سقط شد و خودش هم مرد. هجده سال داشت.»

ظهور مد و فشن در مشهد تجدد زده

زنان و مردان آزاده و دین‌دار در سال‌های سیاه کشف حجاب رضاخانی چه شیوه مبارزاتی را پیش گرفتند؟



هما سعادت‌مند

تاریخ ثبت‌شده در مطبوعات و جراید سال‌های سیاه کشف حجاب رضاخانی می‌گوید تبلیغ برای طبیعی کردن موضوع از سر برداشتن روسری در روزگاری که رسانه‌ای نبوده، با برگزاری همایش‌ها و جشن و پارتی‌های مختلط و برگزاری تئاتر و نمایش‌هایی با موضوع زن متمدن در مدارس دخترانه انجام می‌شده است. حضور در این مهمانی‌ها و همایش‌ها که اعضای اصلی آن را کارکنان و کارمندان ادارات دولتی و رجال وابسته به دربار تشکیل می‌دادند، برای دیگران نیز آزاد بوده، چندان که نشانی و ساعت برگزاری آن در جراید و مطبوعات سال ۱۳۱۴ خورشیدی اطلاع‌رسانی می‌شده است. پس از پایان این میهمانی‌ها نیز دوباره خبر آنچه انجام گرفته و گفته شده باز در روزنامه‌ها نوشته می‌شده است تا به اصطلاح خودشان، جریان عادی‌سازی این مسئله را در اذهان و افکار عمومی با موفقیت پیش ببرند. برای نمونه، روزنامه «شهامت» در ۲۷ دی ۱۳۱۴، یعنی ۱۰ روز پس از تصویب قانون کشف حجاب، می‌نویسد: «شب جمعه مجلس مجلل و باشکوهی به دعوت انجمن خطابه محصولات، مرکب از عموم رؤسای دوایر و محترمین که به اتفاق خانم‌های خود تشریف آورده بودند، منعقد و نطق‌های مؤثری در باب موضوع حجاب ایراد گردید. این روزنامه هم چنین همان روز در خبر دیگری می‌نویسد: «خانم‌های یک عده از اشخاص منورالفکر و مستخدمین ادارات با نهایت متانت رفع حجاب نموده و به طور معقولانه ایاب و ذهاب می‌کنند.» ناگفته نماند که این دست تبلیغات تنها مختص به زنان نبود و حکومت وقت تلاش می‌کرد با برگزاری جلسات سخنرانی در میان کارکنان ادارات دولتی، این موضوع را برای مردان نیز طبیعی کند یا دست کم برای پذیرش این اجبار تحت فشار قرار دهد. یکی دیگر از جراید مشهد در ۵ بهمن ۱۳۱۴ با اشاره به حضور رئیس یکی از ادارات و سخنرانی درباره ارج نهادن به قانون از سر برداشتن چادر در میان کارمندان، می‌گوید: «دیروز از طرف آقای معقول رئیس محترم ثبت ایالتی خراسان دعوتی از آقایان محاضر (محضرداران) در اداره به عمل آمده، شرحی در اطراف ورود زنان به جامعه و مرحله تمدن و تجدد و رهنمایدن آن‌ها را از قید چادر ایراد نموده، با آن ظرافت بیان که واقعا منحصر به خود ایشان است. بیشتر آقایان مدعوین خشنود و در نتیجه مجلس به دعای بقای ذات شاهنشاهی خاتمه یافت.» در این میان، زنان و مردان آزاده و دین‌دار بسیاری که حاضر به پذیرش این اجبار نبودند، شیوه‌های مبارزاتی خاصی را در پیش می‌گیرند که حاضر نشدن در پارتی‌های مختلط، استعفا از کارهای دولتی، خانه‌نشینی‌های چندساله و مد شدن تیپ و پوشاکی که تا آن روزگار دیده نشده بوده از زمره این راه‌هاست که در واقع شیوه‌ای از مقاومت و مبارزه پنهان مردمی است.



شهربانو

۱۲ تیر ۱۴۰۱
۱۲ دی‌الحجه ۱۴۴۳ شماره ۳۷۱۰

(۷)

سر باززدن از میهمانی رفتن به بهانه‌های گوناگون

بر واضح است که در جامعه مذهبی و سنتی ایران آن روزگار، تصویب طرح برداشتن حجاب از سر زنان واکنش‌های مخالف زیادی به دنبال داشته است، واکنش‌هایی که دامنه چندگانگی و تضادگونه آن حتی به دربار هم رسیده بود اما این طرح به ناچار عملی می‌شود. عده اندکی از زنان، همان ابتدا با سازش و پذیرش آن، خود را از تحمل هرگونه شرایط سخت رها می‌کنند، ولی بسیاری از آن‌ها می‌مانند و به شیوه‌های مختلفی مبارزه می‌کنند. این ایستادگی از دربار تا عوام به شیوه‌های متفاوتی بروز و ظهور می‌یابد.

برای نمونه، در بخشی از این روایت‌های تاریخی می‌بینیم علاوه بر عموم مردم، حکومت‌داران و صاحب‌منصبان نظامی و حکومتی بسیاری نیز گرچه به ظاهر با این طرح موافقت می‌کردند، در اندرونی خانه‌هایشان از اینکه محارشان چادر از سر بردارند مشکل داشتند. زنان بسیاری از این درباریان هم مدت‌ها خانه‌نشینی را به سربره‌نگی ترجیح دادند. این یعنی اجبار از سر ترس در پذیرش طرحی که شکست آن از پیش مشخص بود. در یکی از اسناد این دوره آمده است در میهمانی‌ای که یکی از سران حکومتی ترتیب داده بود، تعدادی از رجال حکومتی تنها حاضر شده و هر یک برای حضور نیافتن همسرانشان بهانه‌ای تراشیده و موضوع را به نوعی رفع و رجوع کرده بود. یکی گفته بود همسرش ۹ ماهه باردار است و دیگری یادرد بوده و آن یکی طفل بیمار داشته است و بسیاری از این دست. در سند دیگری از مشهد نیز آمده است پاکروان، استاندار، دی‌ماه ۱۳۱۴ خورشیدی، میهمانی بزرگی ترتیب می‌دهد و از زنان درباریان و وابستگان حکومتی به صرف جای و عصرانه دعوت می‌کند، اما تعداد انگشت‌شماری از زنان دعوت‌آور می‌پذیرند.

دوخت لباس‌هایی جدید و رواج تیپ‌های جدید پوشیده

واکنش بعدی به این طرح که در نوع خود جالب است مد شدن نوعی از تیپ و فشن در لباس‌های زنان آن روزگار است که می‌کوشد با تغییر در لباس زنان غربی، نوع پوشش دارای حجاب را رواج دهد. مد شدن کلاه‌های بزرگ و روسری‌ها و مانتوهای بلند با یقه‌های افتاده برای پوشاندن برجستگی‌های بدن از آن جمله است. در واقع، در این دوره، برخی زنانی که ناچار بودند از خانه بیرون بروند چادر از سر برمی‌دارند و کلاه فرنگی هم بر سر می‌گذارند، اما زیر کلاه روسری سر می‌کنند و برای اینکه این روسری زیاد توی چشم نباشد، یقه پیراهن یا روپوش خود را بالا می‌دهند. پوشیدن چارقد‌های بلند، استفاده از جوراب‌های ضخیم و پیراهن‌های گشاد و بلند هم یکی دیگر از این راهکارهاست. این دست تیپ‌ها آن قدر شایع می‌شود که گزارش آن را در سندی به تاریخ فروردین ۱۳۱۵ خورشیدی می‌توان مشاهده کرد: «از قرار اطلاعاتی که می‌رسد، زنان در ولایات با چارقد در معابر عبور و مرور می‌کنند و حتی برخی خود را به طور مضحک به اشکال عجیب و غریبی درآورده و مستور می‌دارند. چون ادامه این وضعیت غیر مطلوب و باعث مسئولیت است، اکیدا مقرر می‌گردد نهایت مراقبت و مواظبت در این باره را به عمل آورید.»

ظاهر شدن با چادر رنگی در کوچه و خیابان

طرح کشف حجاب در سال‌های نخستین با دشواری‌ها و بگیروبندهای بسیاری همراه بود اما مبارزه مردم آن قدر ادامه می‌یابد که کم‌کم از این فشارها به‌ویژه در شهرستان‌ها کاسته می‌شود تا آنجا که دوباره برخی زنان جرئت پیدا می‌کنند با چادر در کوچه و خیابان رفت‌وآمد کنند، البته چادر رنگی. در سندی که به تاریخ ۱۶ دی ۱۳۲۰ سیاه شده است، می‌خوانیم: «با وجود اینکه متجاوز از شش سال است که رفع حجاب در سراسر کشور عملی شده است، معذک، طبق گزارش‌های رسیده از شهرستان‌ها، غالبا در کوچه و بازار، زن‌ها با چادر نماز و گاهی هم با چادر سیاه دیده می‌شوند. چون به این ترتیب برخلاف سیاست دولت است، قدغن نمایند. شهربانی به نحو مقتضی جلوگیری نموده، متخلفین را به دادگاه خلاف جلب نمایند. نتیجه اقدامات را نیز اطلاع دهید.»

نخستین تظاهرات زنان در اعتراض به کشف حجاب

اما دامنه کشف حجاب رضاخانی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، ۴۲ سال بعد، سبب شکل‌گیری نخستین تظاهرات رسمی مردم مشهد علیه حکومت پهلوی شد، تظاهراتی که فقط زنان در آن شرکت داشتند، اتفاقی کم‌نظیر که تنها در ارض اقدس رخ داد و موجب راه افتادن موج انقلاب اسلامی در شهر شد. ماجرا از این قرار است که درست در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ و نیز در سالروز تصویب طرح کشف حجاب رضاخانی، وقتی تعدادی از زنان در بار می‌روند که به نشانه قدرانی گل‌نثار مجسمه رضاشاه کنند، گروهی از زنان طلبه مدرسه اسلام‌شناسی و حوزه علمیه بانوان با به دست گرفتن قرآن و پلاکارد، یک راهپیمایی آرام برگزار می‌کنند، اما مأموران دولتی با حمله، ضرب و شتم و دستگیری تعدادی از آنان، سبب خشم مردم می‌شوند. پس از این است که مردان نیز به خیابان‌های آیند و مبارزه علنی علیه حکومت پهلوی در مشهد کلید می‌خورد.



به دخترم لیلا بگویند...



«به لیلا می‌گویند که پدرت برای توصیته بسی سنگین کرده که لیلا جان، اگر مرا از دست می‌دهی، بدان که خدا را می‌جویی و پیدا می‌کنی و مواظب باش که او را از خود دور نکنی یا بهتر بگویم خود دور نشوی. دخترم، از همین کودکی حجابی برای خودت درست کن و در آینده رعایت کن، حجابی که خدا گفته و فاطمه زهرا (س) دوست می‌دارد. مبادا حجاب را در سر کردن یک چادر خلاصه کنی. مبادا خود را گول بزنی؛ با یک چادر فکر کنی که حجاب دارید. حجاب را در تمام جزء جزء اعضای خودتان داشته باشید. من در این قسمت فقط و فقط می‌توانم تکلیف کنم برای خانواده خودم که در مورد حجاب سخت‌تر باشید و با آن‌هایی که نمی‌توانند حجابی خداپسندانه داشته باشند معاشرت نکنید. شاید به خود آیند و متوجه گردند.»

این متن فرازی از وصیت نامه شهید محمد امیری موزنانی به دخترش است. او سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ و در جزیره ام‌الرصاص به شهادت می‌رسد اما پیکرش سی سال بعد در اسفندماه سال ۹۵ به آغوش خانواده برمی‌گردد، به آغوش لیلائی که سال‌ها با شنیدن صدای زنگ در حیاط، چادر گل‌دار سفیدش را به سر می‌کرد و سراسر حیاط را می‌دوید که شاید بابا باشد.

شهید عبدالرسول قاسمی



ای خواهران عزیز و ای خواهران دینی من، حجاب خود را حفظ کنید زیرا اگر حجاب شما خواهران کامل شد، ما به هدف خود رسیده‌ایم زیرا ما برای حفظ حجاب می‌جنگیم.

سنگری آغشته به خون من...

در وصیت نامه دیگر شهیدان، چنین به موضوع حجاب اشاره شده است:

شهید محمدعلی هاشمزاده



«از شما خواهران مؤمن و مسلمان می‌خواهم که حجاب و عفت اسلامی خود را بیشتر حفظ کنید و نگذارید که جامعه غربی جای خود را در میان جامعه اسلامی باز کند و به یاد باشید ای برادران که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بی‌عفتی و بی‌حجابی زنان از بی‌غیرتی مردان آن‌هاست.»

شهید حسن ربانی



من امیدوارم روزی شود که خواهران، همه، با حجاب به کوچه و خیابان بیایند.

شهید رضایی آدریانی



از زنان می‌خواهم که حجاب خود را حفظ کنند که با حجاب خود می‌توانند جامعه را بسازند.

شهید محمدرضا کریمی



ای خواهرانم، همان قدر به شما بگویم که با حفظ حجاب خود، گامی مؤثر در پیشبرد اهداف انقلاب برداشته‌اید.

شهید مصطفی نیک دست



اما شما ای خواهران عزیز، تنها سفارشی که می‌توانم برای شما داشته باشم این است که عزیزانم، حافظ حجاب و تقوای خود باشید!



عکس تزئینی است

۳شنبه
۲۱ تیر ۱۴۰۱
۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ شماره ۳۷۱۰

(۸)

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز
ومدیرومسئول:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سیدمثم موسوی مهر
سرمدیر:
سید سجاد طلوع هاشمی
دبیرضامان:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه‌آرایی وگرافیک:
ملک جمعی

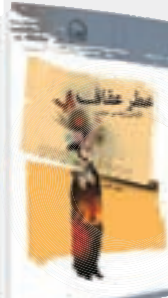
نعمه‌تر کم‌نیا

فعال فرهنگی

شهرزاد

عطر عفاف

کتاب «عطر عفاف، نگرشی ژرف بر حجاب»، نوشته ناهید طیبی، از سوی نشر جامعه الزهرا (س) در ۱۶۸ صفحه منتشر شده است. این کتاب در پنج فصل به بررسی مفهومی حجاب و عفاف پرداخته است و نویسنده با نگاهی عقلانی و معرفتی به حقیقت حجاب، بر این باور است که حجاب پیش از آنکه ضرورتی دینی باشد، ضرورت فطری و عقلی دارد. کتاب در فصل اول، پس از آوردن تعاریف و مفاهیم اصلی مرتبط با حجاب، به ضرورت و تاریخچه حجاب پرداخته است. در فصل دوم، نظام فکری‌ای را که مبنای رفتارهای فردی و اجتماعی انسان است و نیز هندسه معرفتی قرآن را در زمینه انسان، خدا، جهان هستی مورد مطالعه قرار داده است. فصل سوم گزارشی از حجاب حضرت زهرا (س) از دیدگاه شهید مطهری ارائه می‌دهد.



دفاع از زنانگی و مسلمانی

«خاطرات سفیر» به قلم نیلوفر شادمهری است، کتابی شامل ۳۱ خاطره در ۲۲۳ صفحه که انتشارات سوره مهر منتشر کرده است. به گفته نویسنده، برخی از این خاطرات پیش‌تر در وبلاگی به نام «سفیر» منتشر شده است. این اثر چالش‌های یک بانوی مسلمان را به عنوان دانشجوی ممتاز ایرانی در فرانسه با لحنی کاملاً دوستانه و خودمانی و راحت به نمایش می‌گذارد. «خاطرات سفیر» قلمی نه زنانه بلکه دخترانه دارد. اثری است که بی‌شک برای مخاطب نوجوان می‌تواند جذابیت داشته باشد. بارزترین موضوع کتاب حجاب است و مبتنی بر خاطرات شخصی، با نگاهی فرهنگی و مردم‌شناسانه نگارش شده است. این کتاب به دلیل درون‌مایه و محتوای آن مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است.



کشف حجاب

«کشف حجاب»، نوشته فاطمه حیدریان، سال ۱۳۹۰ از سوی نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی با حجم ۱۲۰ صفحه به چاپ رسیده است. این اثر دارای چهار فصل است که در فصل اول، به زمینه‌های پیدایش کشف حجاب اعم از زمینه‌ها و عوامل داخلی و عوامل بین‌المللی پرداخته است. در فصل دوم، از شیوه‌های اجرای کشف حجاب گفته شده است و در فصل سوم، فرایندهای مخالفت‌های عمومی با کشف حجاب که متأثر از روحانیون و مقاومت‌های مردمی بوده‌اند معرفی شده‌اند. در نهایت، در فصل چهارم، عاقبت کشف حجاب در ایران جمع‌بندی شده است. این کتاب بر پایه مستندات تاریخی و نثر ادبی و با توجه به خواننده‌ها و مخاطبان جوان نوشته شده است که خود سبک خاصی را شامل می‌شود.

